

آینده صندوق بین‌المللی پول

منبع: مجله The Banker

نویسنده: یان موناهان

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی



استراوس کان، رئیس صندوق بین‌المللی پول.

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در حال پوست‌اندازی و تغییرات اساسی است. این صندوق که تاکنون به عنوان نهادی برای اعطای وام و کمک‌های مالی به کشورهای نیازمند شناخته می‌شد، در آینده به عنوان "محافظ اقتصاد جهانی در برابر بحران‌های مالی" نقش آفرین خواهد بود.

صندوق بین‌المللی پول درس‌های زیادی را از بحران‌های مالی و اقتصادی سال‌های اخیر آموخته است و به خوبی می‌داند که پافشاری کردن بر فرآیند "درمان" بحران‌های مالی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی که تاکنون جزو وظایف و کارکردهای اصلی این نهاد بین‌المللی به شمار می‌آمده، نتیجه‌ای جز تکرار این بحران‌ها نداشته است و پرداختن به فرآیند "پیشگیری" از وقوع چنین بحران‌هایی، مفیدتر و آینده‌دارتر خواهد بود. به عبارت دیگر، تلاش مضاعف برای افزایش ضریب ایمنی و ثبات اقتصادهای ملی، منطقه‌ای و جهانی، بهترین کاری است که یک نهاد بین‌المللی و قدرتمند مانند IMF می‌تواند انجام دهد.

در جریان آخرین گردهمایی سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در اکتبر ۲۰۱۰، مقرر شد که علاوه بر اصلاح آیین‌نامه‌ها و وظایف سنتی IMF، تغییراتی در زمینه حق رأی اعضا و میزان نفوذ کشورها در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نیز صورت پذیرد. بر این اساس، توافق شد تا از قدرت و حق رأی بلامنازع و نابرابر کشورهای ثروتمند اروپایی و آمریکای شمالی کاسته شود و به تأثیرگذاری کشورهای رو به رشد و مترقی آسیایی افزوده شود. رضا مقدم، مدیر بخش استراتژی‌ها و سیاست‌های IMF، در مورد دگرگونی‌های ساختاری در این نهاد می‌گوید: «در جریان اجلاس گروه ۲۰ در نوامبر در سئول مقرر شد که با افزایش حق رأی و سرمایه کشورهای رو به رشد آسیایی در IMF، میزان کل منابع مالی این صندوق از ۷۵۰ میلیارد دلار کنونی، به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد و بر توانمندی IMF برای تحکیم و تقویت بنیان‌های اقتصاد جهانی و بیمه کردن آن در برابر بحران‌های مالی احتمالی در آینده افزوده شود.»

افزایش سرمایه IMF در سال ۲۰۱۰ دومین مورد از این نوع در طی دو سال اخیر است: در سال ۲۰۰۹ نیز شرکت‌کنندگان در اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با افزایش سرمایه این صندوق از ۲۵۰ میلیارد دلار، به ۷۵۰ میلیارد

دلار موافقت کرده بودند. از شواهد و قرائن چنین برمی‌آید که بروز بحران اخیر اقتصاد جهانی که پس‌لرزه‌های آن همچنان ادامه دارد، باعث هوشیاری و دست به کار شدن دست‌اندرکاران نهادهای مالی بین‌المللی چون IMF شده است و آنها بهترین چاره برای جلوگیری و مقابله با بحران‌های مالی آتی را در افزایش توان مالی صندوق بین‌المللی پول یافته‌اند، چرا که کم‌پولی این صندوق تا پیش از سال ۲۰۰۹ و در زمان وقوع بحران اخیر در اقتصاد جهانی، موجب شد تا این نهاد نتواند آنطور که باید و شاید، وارد عمل شود و از سقوط بسیاری از کشورها در باتلاق بحران مالی جلوگیری کند. به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصاد جهانی، اگر IMF می‌توانست در زمان آغاز و گسترش اولیه بحران در اروپای شرقی بر آن غلبه کند و از سرایت آن به سایر بخش‌های جهان جلوگیری نماید، بسیاری از پیامدهای ناگوار و ویران‌کننده این بحران خنثا می‌شد. برآوردهای کارشناسی حکایت از آن دارند که اگر در ابتدای بروز بحران مالی اخیر، به کشورهای لتونی ۱۰/۵ میلیارد دلار، مجارستان ۲۴ میلیارد دلار و رومانی ۲۶ میلیارد دلار کمک می‌شد، احتمال سرایت بحران به اروپای غربی و آمریکای شمالی در ماه‌های بعد تا حد زیادی کاهش می‌یافت. تعلق IMF در حمایت از کشورهای بحران زده منطقه یورو، به ویژه یونان، اسپانیا، پرتغال، ایرلند و ایتالیا در حال حاضر نیز تعجب کارشناسان و صاحب‌نظران مالی و اقتصادی را برانگیخته است. به عقیده بسیاری از کارشناسان، کشور بحران زده یونان در حال حاضر، به حداقل ۱۱۰ میلیارد دلار یورو کمک IMF نیاز دارد، اما IMF به دلیل وجود مقررات و پیش‌شرط‌های سخت‌گیرانه‌ای که برای اعطای وام و کمک‌های مالی به کشورها دارد، از اعطای این کمک خودداری می‌کند.



صندوق بین‌المللی پول در حال پوست‌اندازی است و در آینده، به عنوان محافظ اقتصاد جهانی در برابر بحران‌های مالی نقش آفرین خواهد بود.



جاسمین ماندنگ، از کارکنان اسبق IMF و مشاور عالی مؤسسه سرمایه‌گذاری آشمور انگلیس، چند دوره را برای نقش آفرینی‌های متفاوت صندوق بین‌المللی پول بر می‌شمرد. او معتقد است که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۲، IMF توانست با وام دادن به کشورهای بزرگ متعددی چون برزیل، ترکیه و کره جنوبی، برای خود اعتبار و برای این کشورها رشد اقتصادی پایدار و چشمگیری را به ارمغان بیاورد. اما رویکرد بعدی IMF که همانا توجه به اروپا بود، نه تنها به تقویت اقتصادهای اروپایی کمک نکرد، بلکه موجب اعتیاد و وابستگی این کشورها به کمک‌های IMF شد، پدیده‌ای که در زمان بحران اخیر، به بدترین نحو به اقتصاد اروپا لطمه زد. دوره نگاه ویژه IMF به اروپا، از سال ۲۰۰۲ آغاز شد و تا سال ۲۰۰۹ ادامه یافت. در اجلاس سال ۲۰۰۹ گروه ۲۰، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، رویکرد متفاوتی اتخاذ شد که همانا توجه و تمرکز صندوق بر کشورهای رو به رشد و دارای اقتصادهای شکوفایی چون چین، هند، مالزی، سنگاپور و سایر کشورهای مترقی آسیایی بود.

کشته‌بان را سیاستی دگر باید

اگر نگاهی به عملکرد صندوق بین‌المللی پول در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ بیندازیم، در می‌یابیم که در این دوره که مصادف با رونق و شکوفایی اقتصاد جهانی بود، نقش IMF به عنوان نهادی بین‌المللی برای اعطای وام‌های خوب و به موقع، تا حد زیادی تضعیف شد، چرا که به علت وجود شرایط مساعد اقتصادی و مالی در بسیاری از کشورهای جهان و در عین حال، به علت پیش شرط‌ها و الزامات سختگیرانه IMF برای دادن وام، کمتر کشوری حاضر به استفاده از وام‌ها و کمک‌های مالی IMF می‌شد. بدیهی است که این مسأله، جایگاه و فلسفه وجودی صندوق را زیر علامت سوال می‌برد. بسیاری از کارشناسان وابسته به IMF، سازمان‌های غیردولتی و اتاق‌های فکر، بر این اعتقادند که این روند می‌بایستی متوقف می‌شد و بروز بحران اقتصاد جهانی، بهترین فرصت را برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در IMF فراهم آورد. هم‌اکنون سیاستگذاران و تصمیم‌گیران صندوق بین‌المللی پول به این نتیجه رسیده‌اند که خط مشی سنتی این صندوق مبتنی بر تحمیل شرایط و الزامات پیچیده و سختگیرانه برای اعطای وام به کشورها، نه تنها به نفع اقتصاد جهانی نیست، بلکه بستر مساعدی را برای بروز بحران‌های مالی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی پدید می‌آورد که نمونه‌های بارز این امر را می‌توان در بروز بحران مالی دهه ۱۹۹۰ در آمریکای لاتین و بحران مالی آسیای جنوب شرقی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ مشاهده نمود.

اگر تصمیم‌گیران و سیاستگذاران ارشد صندوق بین‌المللی پول، از گذشته درس گرفته باشند، می‌بایستی از توجه بیش از حد به کشورهای ثروتمند و توسعه یافته، از جمله کشورهای عضو گروه ۲۰ خودداری کنند و نگاهی هم به اقتصادهای ضعیف و کم درآمد، اما دارای پتانسیل‌های رشد فراوان بیندازند. یکی از راه‌های تحقق این ایده هم اعطای وام‌های ارزان و بدون پیش شرط‌های سختگیرانه و پیچیده، به کشورهای فقیر، آن هم نه فقط در دوران بروز بحران‌های مالی

**تلاش مضاعف
برای افزایش
ضریب ایمنی و
ثبات اقتصادهای
ملی، منطقه‌ای و
جهانی، بهترین کاری
است که یک نهاد
بین‌المللی و قدرتمند
مانند IMF می‌تواند
انجام دهد.**

و اقتصادی، بلکه در شرایط عادی است. ارایه مشاوره‌های فنی و مالی به کشورهای در معرض خطر ورشکستگی و اعزام گروه‌های مشاوره‌ای و کارشناسی به کشورهای عضو نیز از جمله راهکارهایی هستند که در این میان توصیه می‌شوند. رییس کنونی صندوق بین‌المللی پول، یعنی استراوس کان، در این زمینه پیشگام بوده است، به نحوی که در جریان برگزاری اجلاس سالانه صندوق در سال ۲۰۰۹، خواستار دو برابر شدن بودجه تخصیص یافته برای قرض دادن به کشورهای کم درآمدتر شد. استراوس کان در اجلاس سال ۲۰۱۰ نیز ایده اعطای وام‌های با بهره صفر درصد به کشورهای فقیر و کم بضاعت را مطرح نمود که با موافقت اصولی اعضا مواجه شد. با وجود تمام این تلاش‌ها و دگرگونی‌ها، هنوز هم مشکل و مانع اصلی تأثیرگذاری مثبت وام‌ها و کمک‌های IMF بر اقتصاد کشورهای وام‌گیرنده پابرجاست و آن هم اعمال محدودیت‌ها و پیش شرط‌های سخت و پیچیده در قبال دریافت این وام‌هاست. تجربه ثابت کرده است که بسیاری از فرم‌ها و اصلاحات مورد تقاضای صندوق بین‌المللی پول در قبال اعطای وام‌های صندوق، در اغلب کشورهای جهان، قابل اجرا و پیاده شدن نیست. به عنوان مثال، از بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین که از IMF وام دریافت نموده‌اند، خواسته شد تا اصلاحاتی چون خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و آزادسازی تجاری را به مرحله اجرا درآورند، اصلاحاتی که خیلی زود به ضد اصلاحات تبدیل شدند و پیامدهای بسیار اسفباری برای این کشورها داشتند.

دومینکو لومباردی، کارشناس ارشد مؤسسه بروکینگ و واشنگتن و عضو سابق هیأت مدیره IMF، بر این اعتقاد است

ECONOMIC CRISIS:



اگر تصمیم‌گیران و سیاستگذاران ارشد صندوق بین‌المللی پول از گذشته درس گرفته باشند، باید نگاهی هم به اقتصادهای ضعیف و کم‌درآمد، اما دارای پتانسیل‌های رشد فراوان بیندازند.

که یک نوع وام بیمه مانند است، برخلاف وام‌های سنتی IMF که پس از سال‌ها مذاکره و چانه‌زنی به کشورهای نیازمند اعطای می‌شد و به نوعی "نوشداروی پس از مرگ سهراب" بود، عملاً تنها طی یک یا دو هفته قابل پرداخت است. چنین سرعت عملی، به ویژه در زمان بروز بحران‌های مالی و اقتصادی، می‌تواند بسیار مثبت و ثمربخش باشد. علاوه بر این، این نوع وام‌ها به دلیل برخورداری از ساختار بیمه‌ای، از پیش شرط‌ها و شرایط به مراتب آسان‌تر و ساده‌تری در مقایسه با وام‌های سنتی برخوردارند و تعداد بیشتری از کشورهای فقیر و کم‌درآمد می‌توانند از این نوع وام‌ها برخوردار گردند.

به طور کلی، تصمیم‌سازان صندوق بین‌المللی پول به این نتیجه رسیده‌اند که تساهل و تسامح در اعطای وام به کشورهای بحران زده، نه تنها موجب متزلزل شدن ارکان صندوق نمی‌شود، بلکه به اثرگذاری مثبت و مطلوب‌تر این نهاد مالی بین‌المللی کمک می‌کند، اثربخشی مطلوبی که اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی و مالی کشورهای دریافت‌کننده وام را (البته با توجه به شرایط و ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آنها) تسهیل و تسریع می‌نماید.

سیاست منطقه‌گرایی و هم‌سطح‌گرایی نیز از دیگر سیاست‌های محوری IMF در سال‌های آینده خواهد بود. دست‌اندرکاران IMF به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد شبکه‌های گسترده در سطح مناطق جهان و پیوند زدن نظام‌های مالی و اقتصادی آنها به هم، می‌تواند به رفع مشکلات اقتصادی تک تک کشورهای هر منطقه، به ویژه در زمان بروز بحران‌های منطقه‌ای شبیه بحران مالی آسیای جنوب شرقی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، کمک شایانی نماید. به عبارت دیگر، ایجاد شبکه‌های مالی منطقه‌ای با نظارت IMF، یک نوع "سوپا مالی چند کشوری" را در هر منطقه از جهان به وجود می‌آورد که در آن، منابع مالی و اعتباری مازاد کشورهای منطقه به سمت کشور یا کشورهای بحران زده همان منطقه سرازیر می‌شود. عملکرد مطلوب و مثبت مجموعه این شبکه‌های منطقه‌ای که با محوریت و تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول فعالیت می‌کنند، می‌تواند تا حد زیادی موجب بهبود وضعیت اقتصاد جهانی و جلوگیری از تکرار بحران‌های مالی منطقه‌ای و جهانی گردد.

که صندوق می‌بایستی با توجه به پتانسیل‌ها، محدودیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای دریافت‌کننده وام، نسبت به اعطای وام‌های گوناگون و تحمیل پیش شرط‌های خاص برای آنها اقدام نماید. اولویت بخشیدن به اصلاحات و تقویت بنیان‌های آموزش و پرورش، بهداشت و تأمین اجتماعی در مورد هر کشوری، می‌تواند موجب به حداقل رسیدن تأثیرات منفی بحران‌های مالی بر اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد کشورها شود. این درسی بود که IMF از بحران آسیای جنوب شرقی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ گرفت، جایی که کمک‌های هنگفت صندوق به کشورهای بحران زده، نه تنها موجب فروکش کردن بحران نشد، بلکه در اثر افزایش بی‌رویه نقدینگی در کشورهای دریافت‌کننده وام و کمک، تورم اضافه‌ای را به آنها تحمیل نمود.

یک نقش جدید

سیاستگذاران صندوق بین‌المللی پول از مدت‌ها پیش در جستجوی یافتن جایگزینی مناسب برای وام‌های سنتی اعطایی این صندوق بوده‌اند که به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصاد توسعه، فاقد کارایی و اثربخشی کافی بوده و در بسیاری از موارد هم اثر معکوس بر جای گذاشته است. خطوط اعتباری انعطاف‌پذیر (Flexible Credit Line - FCL)

